

<p>تاریخ امتحان: ۱۴۰۳/۳/۸ ساعت شروع: ۱۰:۳۰ قبل از ظهر تعداد سوال: ۲۰ مدت زمان: ۴۰ دقیقه تعداد صفحه: ۱ برگ</p>	<p>بسمه تعالیٰ اداره کل آموزش و پرورش استان اردبیل اداره سنجش و پایش کیفیت آموزشی <b>سوالات هماهنگ استانی ارزشیابی پایه نهم</b> <b>خردادماه سال ۱۴۰۳</b> <b>آزمون درس: املای فارسی ۳</b></p>	<p>نام و نام خانوادگی: _____ نام آموزشگاه: _____</p>
بارم	سنوات	ردیف
		<b>متن تقریری املا</b>
	<p>- اگر خواهی به درجه مورچه قناعت کنی می‌باش و اگر نه، راهت داده‌اند تا در بستان معرفت حق تعالیٰ تماشا کنی و بیرون آیی؛</p> <p>(درس دوم ، صفحه ۱۹)</p> <p>- یکی از زمینه‌های اجتماعی گمراه شدن ، تأثیر همنشینی بد است. همان‌گونه که همنشینی با دوست خوب، عامل مهم گرامیش به کارهای نیک است. (درس چهارم ، صفحه ۳۲)</p> <p>- از جای تهمت زده پرهیز کن و از یار بد اندیش و بد آموز بگریز . اگر طالب علم باشی، پرهیزگار و قانع باش و علم دوست و بربدار و کم سخن و دوراندیش . (درس ششم، صفحه ۴۸)</p> <p>- همه اینان که در خاکش بزرگ شده‌اند و از ایش نوشیده‌اند و در هوایش پرورده‌اند؛ در صحنه‌های رزمی دلاورانه پیکار کرده‌اند و در جشن‌هایش، صفحه‌ای میلیونی بسته‌اند. (درس هشتم ، صفحه ۶۱)</p> <p>- تیمی از روز را در محضر استاد حاسب و نیمی دیگر را، چون من ، در محضر استاد حمزه می‌گذرانی ، هیچ‌گاه در رخسار تو آثار خستگی نمی‌بینم. (درس نهم ، صفحه ۶۷)</p> <p>- از گوشة صومعه آواز درآمد که: «ای مرد ! خود را رنجه مدار که او چند سال است تا به ما دل سبرده است ، ابلیس زهره ندارد که گرد او گردد. (درس بازدهم ، صفحه ۸۴)</p> <p>- زیرا معلوم است که طبیعت را شعور و اراده نیست؛ و اگر گویند که طبیعت را علم و اراده نیست، پس معلوم است که این کارها از طبیعت بی‌شعور، صادر نمی‌شود. (درس چهاردهم ، صفحه ۱۰۴)</p> <p>- نقاشی من شکل کلاه نبود ، بلکه تصویر مار بوا بود که فیلی را بلعیده بود و هضم می‌کرد. آنگاه من درون شکم مار بوا را کشیدم تا آدم‌های بزرگ بتوانند چیزی از آن بفهمند. (درس هفدهم ، صفحه ۱۲۴)</p> <p>«موفق و پیروز باشید »</p>	
۲۰	جمع بارم	نمره با حروف: _____ نام و امضاء مصحح: _____